

Persiska

Vilket imorgon kommer jag att välja?

- Om uppväxt och föräldraskap i olika kulturer

چه فردایی را انتخاب میکنم؟

– در باره رشد فرزند و پدر و مادر بودن در فرهنگهای مختلف

چه فردایی را انتخاب میکنم؟

– در باره رشد فرزند و پدر و مادر بودن در فرهنگهای مختلف

پدر و مادر بودن در سوئد و تبار خارجی داشتن چه معنایی دارد؟ این نوشته در همین مورد سخن میگوید. والدین امکان دارد که نگران این باشند که فرزندشان را از دست بدهند و ارزشها و طرز تفکرهایی کسب کنند که از دید شما، متفاوت و بیگانه تلقی شود. فرزند تو در سوئد بزرگ میشود. چه باید کرد که فرزندان فرهنگ ریشه ایش را محفوظ نگهدارد؟ چه اندازه از سوئدی بودن را در فرزند خود قابل قبول میدانی؟ آیا او میتواند به فرهنگهای مختلف متعلق باشد یا اینکه مجبور به انتخاب است؟

همه پدر و مادرها گاهی خود را نامطمئن احساس میکنند. بر سر فرزندانم چه خواهد آمد؟ گفتگو با پدر و مادرهای دیگر در اینمورد میتواند مفید باشد.

دیروز، امروز، فردا

رسول الموسوی

دیروز

در سایه منزل

مادرم موهام را شانه میزد

و دو بافه از آن میافت.

امروز اما،

میان فردا و روز دی

جاده متقاطع هست.

فردا

کدامین را

برمیگزینم؟

1. بزرگ شدن در يك کشور دیگر

وقتی فرزند نوجوانی به پدر و مادر خود میگوید که او بهتر میدانند، این میتواند خشم والدین را برانگیزد چرا که آنها نمیدانند در سوئد چگونه باید بود. همین موجب عصبانیت والدین و در نتیجه درگیری خواهد شد.

اغلب نوجوانان دوست دارند نشان دهند که دیگر مستقل هستند. این بدین معنا نیست که آنها دیگر (سوئدی) شده اند و یا میخواهند از پدر و مادر خود و فرهنگ آنها فاصله بگیرند. این نوجوانان چنانچه مجبور نشوند بلکه خود تصمیم بگیرند، میتوانند هر دو فرهنگ را با هم متحد کنند.

- آیا تو خود وقتی جوان بودی از سوی پدر و مادرت مجبور به انجام کاری میشدی؟
- چه حسی داشتی؟
- چه اتفاقی میافتاد چنانچه خودت انتخاب میکردی؟

فرزند تو اکنون در اینجا زندگی میکند و میخواهد هر دو باشد، هم این و هم آن پدر و مادر و خانواده در آنچه کودک می آموزد نقش مهمی دارند. اما دوستان، مهد کودک، دبستان و نیز جامعه پیرامون وی نیز در این نقش سهیم هستند.

کودک باید تلاش کند تمام آنچه را ببیند و میشنود بفهمد. چنانچه در خانواده و جامعه، روشهای متفاوتی برای اندیشیدن وجود دارد او تلاش میکند هر دو را بفهمد. آنچه در مدرسه وجود دارد با آنچه در خانواده میگذرد کاملاً متفاوت است. در مدرسه مانند خانه نمی اندیشند. اما کودک نمیتواند تنها یکی از اینها را بپذیرد. او در هر دو واقعیت زندگی میکند.

اغلب کودکان میخواهند هر دو فرهنگ را دوست داشته باشند. به عبارتی هم این و همان آن باشند. میشود آنها را (کودکان خط فاصله ای) نامید. به این معنا که آنها فنلاندی- سوئدی، کرد- سوئدی، یونانی-

سوئدی یا سومالیایی – سوئدی و غیره هستند. آنها باید بتوانند جهانهای خود را با خط فاصله به هم پیوند بزنند. این بدین معنا نیست که آنها نصفی از هر کدام باشند. آنها میتوانند هر دو را کامل داشته باشند!

- آیا وقتی کودک بودی در پیرامون تو هم ارزشهای مختلفی وجود داشت؟
- نظر والدین تو در این مورد چه بود؟
- این به نظر تو چه معنایی داشت؟
- به نظر تو بزرگ شدن در محیطی با دو یا چند فرهنگ، چه نکات منفی ای دارد؟
- نکات مثبت آن کدام است؟
- در مورد تصویر عبارت (خط فاصله) چه فکر میکنی؟
- تو خود چه اندازه (هم این و هم آن) هستی؟
- فرزند تو چه اندازه (هم این و هم آن) است؟

"من خودمو سوئدی حس نمیکنم. البته ترك هم نمیدونم. من خودمو مٲ عایشه حس میکنم. من از تفاوت گذاشتن بین (اونا) و (ما) خوشم نیماا. من عایشه هستم اهل استکهلم. با دوستانی از همه نوع."

فرهنگ نوجوانان

انسانها در گروه قومی و اجتماعی و نیز نسل خود، دارای تعلقات فرهنگی هستند. نوجوانان متعلق به گروههای قومی مختلف میتوانند در مقایسه با نوجوانان و بزرگسالان همان گروه قومی، دارای نقاط مشترک بیشتری باشند. استیلهای متفاوت از قبیل ظاهر، نحوه لباس پوشیدن و نوع موسیقی، حسی مشترک در بین آن گروه می آفریند.

يك فرد جوان که در کشور دیگری غیر از سرزمین پدر و مادرش زندگی میکند میتواند دست کم به سه فرهنگ مختلف تعلق داشته باشد:

- فرهنگ والدین،
- فرهنگ اکثریت سوئد و
- فرهنگ نوجوانان!

- آیا هنگامی که نوجوان بودی حس میکردی که به (فرهنگ نوجوانان) تعلق داری؟
- آنچه شما نوجوانان را از بزرگسالان پیرامونت جدا میکرد چه بود؟

تغییرات بین نسلها

جوان میخواهد تغییر دهد و سالمندان اغلب میخواهند قدیمیها را نگهدارند. این خیلی عجیب به نظر نمیرسد. انسانها میخواهند چیزهای آشنای خود را حفظ کنند. چیزهای جدید و ناشناخته، باعث بی اطمینانی میشود. این مسئله اغلب بین نسلها اختلاف ایجاد میکند.

بسیاری از چیزهایی که ما در سنین کودکی می آموزیم، آنهایی هستند که حسشان میکنیم بی آنکه کسی به ما بگوید که چگونه باید باشد. ما مایل نیستیم آنچه را در درون يك فرهنگ وجود دارد تغییر دهیم.

- نسل تو و نسل والدینت در چه مواردی برداشتهای متفاوت داشتند؟
- آیا میدانی که بین پدر و مادر تو و نسل پدران آنها نیز تضادهایی وجود داشت؟
- در شیوه نگرش تو به زندگی چه نکات مهمی وجود دارد که میخواهی آن را به فرزند خود نیز منتقل کنی؟
- به نظر شما معمولیترین چیزی که مردم در سوئد دوستش دارند چیست؟
- آیا به نظر شما فرزند کودک و یا نوجوانتان، آن چیز را به همان اندازه دوست دارد؟

فرهنگها تغییر میابند

انسانهایی که در محدوده يك فرهنگ زندگی میکنند گام به گام و پیوسته آن را تغییر میدهند. فرهنگها، رسوم، معیارهای ارزشی و سنتهای مذهبی آنگاه پیشرفت میکنند که بخشهایی از آن حذف شوند، بخشهای دیگری نیرومند شوند و بخشهایی به شیوه ای نو تفسیر شوند.

ما همگی در درون فرهنگ خود زندگی میکنیم بی آنکه در حقیقت آن را ببینیم (مثل ماهی درون آب) ولی همزمان در شکلهای جدید آن حضور داریم. فرهنگ، اغلب هنگامی آشکار میشود که آن را با سایر فرهنگها مقایسه کنیم.

حتی در درون همان فرهنگ نیز گروههای مختلفی وجود دارند که عادات و الگوهای جداگانه ای دارند. هر کدام از ما برای نمونه در خانواده، محیط کار و یا در دیدار با ناآشنایان، نقشهای فرهنگی جداگانه ای داریم.

- تغییرات فرهنگی در طول حیات نسلی که به آن تعلق داری چگونه بوده است؟

2. پدر و مادر يك نوجوان بودن

همه پدر و مادرها میخواهند به داشتن فرزندانشان افتخار کرده و خود را خوشبخت احساس کنند. البته این تا وقتی که کودکان، کوچک هستند آسان است اما با بزرگتر شدنشان و بویژه در سنین نوجوانی و شروع مخالفتها دشوارتر میشود.

نوجوانان از خود میپرسند: "من که هستم؟" و شروع به تجربه کردن نقش و مرزهای متفاوتی میکنند تا آنچه را درست تشخیص میدهند بیابند. طبیعتا بزرگسالان لازم است به هنگامی که نوجوانان مرزهای مهم را میشکند واکنش نشان دهند اما اینکار باید با احتیاط صورت گیرد. در غیر اینصورت خطر این وجود دارد که آنان درست در همان نقطه ای که پدر و مادر تلاش در نجاتشان دارند گیر کنند.

والدین برای فرزندان خود نگران میشوند اما همیشه انگیزه ای برای نگرانی وجود ندارد. پدر و مادرهای نگران، پرسشهای فراوانی برایشان مطرح میشود. از آنجا که نوجوانان خود را مورد سوءظن و زیر نظر حس میکنند اغلب پاسخهای کوتاه و از سر اکراه میدهند. این بسیار طبیعیست که نوجوانان در يك دوره زمانی از والدین خود دوری میجویند، اما آنها دوباره برمیگردند.

- موارد نگرانی تو در باره کودک و فرزند نوجوانت چیست؟
- آیا واقعا دلیلی برای نگرانی وجود دارد؟
- فکر میکنی کودک یا فرزند نوجوانت چه برداشتی از نگرانی تو دارد؟
- نظرت در مورد اینکه بسیاری از والدین سوئدی برای فرزندان نوجوانشان نگران میشوند چیست؟

"به ما اعتماد کنید! ما مغروریم از اینکه کرد هستیم اما حق داریم که آزادی خودمان را داشته باشیم. شما باید در این مورد از ما پشتیبانی کنید و مادرهای ستمگری نباشید!"
دختران نوجوان کرد در بحثی با مادرانشان، که از سوی اتحادیه زنان کردستان ترتیب داده شده بود.

پدر و مادر بودن، امروزه در سوئد

شاید امروز پدر و مادر بودن دشوارتر شده است. کودکان و نوجوانان از رسانه ها چیزهای زیادی یاد میگیرند. آنها مسائل را بیشتر مورد سوال قرار میدهند. آنها میخواهند نه فقط قواعد و ممنوعیتها را، بلکه علت چرایی را نیز بدانند.

اگر فرزند تو تلاش کند در مقابل تو دلیل بیاورد شاید فکر کنی که دعوایی و غیرقابل تحمل شده است. پدر و مادر سوئدی نیز چنین است. همه باید یاد بگیریم که به نحو دیگری و متفاوت از والدین خود با فرزندانمان برخورد کنیم. نحوه تربیت فرزند سوئدیهها نیز در طول نسلها دستخوش تغییرات فراوان شده است.

- آیا در نحوه تربیت سوئدی چیزی هست که تو با آن مخالف باشی؟
- خودت در این مورد یا موارد بالا چه پیشنهادی داری؟ چرا؟
- فکرمیکنی يك پدر و مادر سوئدی چگونه روش و نحوه رفتار خود را در این مورد یا موارد توجیه میکند؟

حقوق کودکان

معاهده بین المللی کودکان سازمان ملل متحد میگوید:

- کودک باید در مقابل تبعیض در هر شکل آن محافظت شود. (بند دو)
- الویت کودک باید در همه تصمیمات رعایت شود. (بند سه)
- والدین موظفند کودک خود را تربیت و راهنمایی کنند. (بند پنج)
- کودک حق زندگی و پیشرفت را دارد. (بند شش)
- کودک حق اظهار نظر و احترام به آن را دارد. (بند دوازده)
- کودک نباید در زندگی شخصی و خانوادگی، در خانه خود یا به هنگامی که نزد یکی از دو والد خود می‌رود، مورد آزار و اذیت‌های خودسرانه و غیرقانونی قرار گیرد. (بند شانزده)

به موجب قوانین سوئد کودک حق استفاده از مراقبت و سرپرستی، امنیت و تربیت خوب را داراست. منظور

از تربیت خوب عبارت است از:

آموزش مرزبندی و احساس مسئولیت،

حس نیازمندی به او،

حق پیشرفت و در آینده رها شدن از وابستگی به والدین.

این حق کودک است که با مراقبت به فردیت انسانی با وی رفتار شود. کودک در طول زمان حق دارد حریم شخصی اش مورد حفاظت بیشتری قرار گیرد.

کودک نباید مورد مجازات بدنی یا رفتارهای تحقیرآمیز دیگر قرار گیرد.

- بندهای مختلف معاهده بین المللی کودکان سازمان ملل متحد در زندگی روزانه به چه معناست؟
- وقتی کودک بودی کدامیک از حقوق یاد شده بالا را داشتی؟

3. پدر و مادر بودن در يك کشور دیگر

"یکی از طولانیترین سفرها، سفر درونی خود ماست و همیشه با یادگیری يك چیز نو، يك چیز متفاوت، يك چیز ناآشنا شروع میشود."
تنودور کالیفاتیدس

روند مهاجرت

با مهاجرت فرد از سرزمین مادری تغییرات بزرگ و فراوانی در زندگی او پیدا میشود بطوری که او دیگر همان شخص نیست. تصمیم گیری در مورد مهاجرت، مسئولیت سنگینی است. ترک سرزمین یعنی وداع جانکاه، انبوه نگرانیها و ترس. فرار یا ترک وطن کمابیش دردناک است. شخص مهاجر میتواند با حوادث ناگوار و خطرناکی روبرو شود و در موقعیتهای تهدیدکننده ای قرار گیرد. اولین دوره زندگی در سوئد احتمالاً با عدم اطمینان، غم غربت و نگرانی از آینده همراه است.

با اختیار کردن وطن جدید، همه چیز از نو آغاز میشود: زبانی نو، احتمالاً شغلی نو و یا بیکاری. بتدریج فرد در زندگی نو خود به پیش میرود و به آینده نگاه خواهد داشت. به این ترتیب است که روند مهاجرت سرانجام طی میشود. این کار اما میتواند برای افراد مختلف، از نظر طول زمان متفاوت باشد.

روند مهاجرت:

- ترک وطن: ناتوانی و نیروی عمل
- پناهندگی یا فرار: نگرانی و عدم اطمینان
- اولین دوره اقامت در کشور جدید: سازگاری، تطبیق و غم غربت
- بعد از مدتی: سازش، سمتیابی مجدد و همپیوستگی

- چه چیزی باعث مهاجرت تو به این کشور شد؟
- اولین دوره اقامت در سوئد چگونه گذشت؟
- در کجای روند مهاجرت قرار داری؟

- فرزندت در کجای روند مهاجرت قرار دارد؟

ما و آنها

این کاملاً طبیعیست که شخص در يك سرزمین بیگانه بندها از بسیاری چیزهای جدید فاصله میگیرد. در عوض کشورش را به عرش اعلا میرساند. اما نباید در این شرایط درجا زد.

وقتی با چیزی که متفاوت است برخورد میکنیم در حقیقت همان چیز قبلی خودمان را میبینیم اما به شکل جدیدی. برای همین است که اغلب (آن چیز دیگر) را (عجیب) و ناآشنا میپنداریم. ما انسانها را به ما و آنها تقسیم میکنیم. این حس اشتراك را قویتر میکند.

چنانچه ما شهامت آشناسدن با هم را داشته باشیم، پلهای ارتباطی زده ایم. قادر به دیدن شباهتها خواهیم شد و وجوه تمایز، جالب به نظر خواهند رسید.

- به چه چیز در فرهنگ سوئدی عکس العمل نشان داده ای؟
- فکر میکنی سوئدیها از چه چیز در فرهنگ تو متعجب میشوند؟
- به نظر تو این به چه چیز بستگی دارد؟
- به نظر تو برای اینکه بتوان با داشتن فرهنگهای متفاوت با هم زندگی کرد، با این تصویرهای مختلف از همدیگر چه باید کرد؟

غم غربت و اندوه

آنکه مجبور میشود سرزمین خود را ترك کند به اندوه و غم غربت دچار میشود. غم غربت را نوستالژی هم میگویند. این حس پرشور با یادآوری خاطراتی از اشخاص، مکانها، بویها، ملودیها و غیره همراه است. واژه

نوستالژی (یا نوستالگی) از ترکیب دو کلمه یونانی نوستاس به معنی بازگشت و آگوس به معنی درد و اندوه ساخته شده است.

گاهی فرد در حالت نوستالژی میماند بدون آنکه بتواند از آن خارج شود. این افراد که تنها با خاطرات آنچه بوده و گذشته زندگی میکنند، اغلب برایشان سخت است که از اکنونشان احساس خوشنودی کنند. چنانچه پدر و مادر در حالت نوستالژی بمانند و نتوانند پیش روی خود را ببینند، شاید نتوانند آنچه که لازم است فرزندان و نیازمندیهای آنان را دیده و درک کنند.

- تو بیشتر برای چه چیز در سرزمین مادریت دلتنگ میشوی؟
- آیا آنچه را به پاگیری نوستالژیک معروف است بازمیشناسی؟
- به نظر تو از چه راهی میتوان با آن مقابله کرد؟
- چگونه میتوان راهی پیدا کرد که هم دلتنگی داشت و هم آینده را پیش رو دید و به سوی آن گام برداشت؟

"من به قصد بررسی آنچه پس از سی و شش سال زندگی بر من به مثابه يك بیگانه گذشت شروع به نوشتن کردم." من سوئدی نشده ام هرچند که دیگر آن یونانی که می اندیشیدم نیز نیستم. من حتی يك بیگانه صددرصد نیز نیستم. جان کلام اینکه اصلاً نمیتوانم بگویم که چه شده ام.... لحظاتی هست که فکر میکنم برهنه تر از آن هنگامی هستم که زاده شدم. آن موقع دست کم بند نافی بود. اکنون اما انگار در سوگ يك عشق ناکام به سر میبرم. اما لحظاتی نیز هست که حس يك آرامش ژرف به من دست میدهد چرا که یاد گرفتم به آنکه به روشنی کسی جز من بود عشق بورزم. تتودور کالیفاتیدس

با دیگران همراه نبودن

همه افراد خانواده شاید به يك اندازه و شتاب، در روند مهاجرت وارد نمیشوند. کودکان نیز برای آدمها، مکانها و اشیایی که باید ترکشان کنند غصه دار میشوند. اما آنان در زمان حال میزیند و برای موشکافی هر آنچه جدید است کنجکاوی میکنند.

چنانچه والدین در حقیقت کودکانشان مشارکت نکنند هم برای کودکان و هم برای والدین دشوار خواهد بود

که طرف مقابل را درک کنند.

- چه کسی در اینکه کشورتان را ترك كنيد تصميم گيرنده بود؟
- كودك تو چگونه فهميد كه قرار است چه اتفاقي بيفتد؟
- به نظر تو فرزندت در باره سرزمينتان چه فكر ميكند؟
- آيا فكر ميكنى كه فرزند تو درك ميكند كه براى دوست داشتن مهدكودك، دبستان و همكلاسيهايش موافقت تو را لازم دارد؟
- در اين باره كه مهاجرت بر كودك تو تاثير گذاشته است چه نظري دارى؟

تحقير و توهين، مانع ايجاد ميكند

كودك نميتواند در محيطى كه دوست ندارد و احساس راحتى نميكند زندگى كند. كودكى كه در سوئد زندگى ميكند همچنين بايد از سوئدى خوشش بيايد. بسيار دشوار خواهد بود اگر پدر و مادرها به تحقير و توهين سوئديها بپردازند و يا اينكه اطرافيان از فرهنگى كه كودك در آن ريشه دارد فاصله بگيرند. شايد در آن زمان كودك به تحقير خود بپردازد.

- در باره تحقير و خودتحقيرپندارى چه فكر ميكنى؟
- آيا تو خود از سوى اطرافيان در اين مورد تحقير شده اى؟

آرزوها و آينده كودكان

كودكى كه به پيش دبستان يا دبستان سوئدى ميرود يا با دوستان سوئدى همبازيست، افكار جديدى را با خود به خانه مى آورد. والدين ممكن است ترس برشان دارد كه نكند فرزندشان از دست برود، حامل

ارزشهاى بيگانه شده و جور ديگرى شود.

ترك ميهن هميشه سخت است. اما ميتواند اميد به آينده اى بهتر براى كودكان را نويد دهد. با ترس از سوئدى شدن كودك، اين اميد نيز شايد در هم بشكند.

"وقتي پدرم تعريف ميكند كه چقدر فقيرانه زندگى ميكرده من گريه ام ميگيرد و غمگين ميشوم. اما چه كار ميتوانم بكنم؟ حالا من بايد هميشه سپاسگزار باشم كه وضع خوب است. ولى آن، يك زندگى ديگر بوده است." نينا

- آيا تو زمانى نگران اين بوده اى كه فرزندت سوئدى شود؟
- آيا فكر ميكنى كه فرزندت انتظارات تو را همچون يك بار سنگين بر دوش خود حس ميكند؟

4. خانواده، عشق و جنسيت

خانواده چيست؟

خانواده ميتواند معناهاى مختلف داشته باشد؛ همه اقوام، يا تنها پدر و مادر و فرزند. خانواده در سوئد نيز مانند ساير كشورهاي جهان، مهم تلقى ميشود اما به گونه اى ديگر. زن و مرد يكسان شمرده ميشوند و هر کدام داراي مسئوليت هستند. نوجوانان ممكن است گاهى از خانواده فاصله بگيرند تا استقلال خود را نشان دهند.

اينكه چه كسى قدرت دارد، مسئول است و وظيفى در خانواده و اجتماع بر دوش او گذاشته شده، در مدت كوتاهى در سوئد تغيير يافته است. در گذشته همگرابى در خانواده و اقوام مهمتر بود. امروزه كودكان در سوئد در گونه هاى مختلفى از خانواده پرورش ميابند. اغلب آنها در کنار پدر و مادرشان ميآيند. اما بسيارى نيز هستند كه پدر و مادرشان جدا شده و ناپدرى، نامادري، خواهر و يا برادر ناتنى دارند.

- خانواده به زعم تو چه معنى دارد؟
- فكر ميكنى براى سوئديهاى كه ميشناسى خانواده به چه معناست؟
- آيا همگرابى خانواده ها در اين سالهاى اخير در سرزمين مادري تو نيز به نحوى دستخوش تغييرات شده است؟

نقشهای جدید در خانواده

در سوئد آنکه به تحصیل میپردازد یا کار میکند سریعتر به جامعه وارد میشود. پیداکردن راههای جدید برای زنان گاهی راحت تر از مردان است. کودکان به سرعت در مورد سوئد اطلاعات به دست می آورند. بزرگسالان گاهی برای ایجاد ارتباط با جامعه به فرزندان خود متکی میشوند. پدر دیگر مثل گذشته آن کسی نیست که میداند و میتواند و نماینده خانواده است. اکنون نقشهای جدیدی در خانواده پیدا شده و شاید اختلافاتی هم بروز کند.

"کودک مهاجر دلش برای والدین خود میسوزد. آنها همه چیز را ترک کرده اند و به کشوری وارد شده اند که باید پیوسته به آنها کمک شود چرا که زبان را نمیدانند. کودکان و نوجوانان سریعتر از بزرگسالان زبان را می آموزند و فوراً شروع میکنند که در تمام ارتباط گرفتنها با جامعه سوئد، به والدین خود کمک کنند. برای همین يك درون بینی بزرگتر در جهان بزرگسالان ایجاد میشود که کودکان را به آن نیازی نیست." نالین پکگول

گفتگو کردن در این باره دشوار مینماید هرچند که در بسیاری از خانواده ها این بحث صورت میگیرد. کسی دوست ندارد ضعفهای خود را پیش دیگران بازگو کند.

- آیا نوشته های بالا در مورد خانواده تو نیز صدق میکند؟
- آیا در این صورت شما توانسته اید در اینباره گفتگو کنید؟
- آیا خانواده های دیگری را میشناسید که همین حالت یا مشابه آن را داشته باشند؟
- آیا شما میتوانید در این مورد با دیگران گفتگو کنید؟

زنان در سوئد

برای یکسانی زن و مرد در جامعه سوئد هنوز راهی طولانی در پیش است. اما در ظرف مدتی اندک، تغییرات بزرگی ایجاد شده است. از آن زمان که مردان برای زنان نیز تصمیم میگرفتند زمان زیادی نگذشته است. زنان از لحاظ اقتصادی به مردان وابسته بودند. آنان میبایست هم همسر باشند، هم مادر و هم کدبانو. امروز همه بر سر اینکه باید یکسانی وجود داشته باشد توافق دارند. زنان و مردان باید از حقوق و امکانات مساوی در جامعه برخوردار باشند. زنان و مردان باید هر دو بتوانند سرپرست کودکان باشند و از داشتن شغل برخوردار.

- موقعیت امروز زنان در سوئد با سرزمین مادری شما چه تفاوتی دارد؟
- نکات خوب و بد این حالت چیست؟

نحوه نگرش به مرد بودن

نوع نگاه به مرد بودن یا زن بودن در جوامع و دوره های زمانی مختلف، متفاوت است.

مرد بودن و مرد نبودن برای مردم در سوئد امروز به چه معناست؟ طبیعتاً معانی متفاوتی وجود دارد. پاسخهای چند زن و مرد را در این مورد بخوانید:
مرد نبودن این است که مسئولیت خانواده خود را برعهده نداشته باشی.
يك مرد جرئت بروز احساسات خود را ندارد.
به نظر من حل اختلافات از راه خشونت، نشانه مرد نبودن است.
من فکر میکنم مرد بودن این است که شهامت داشته باشی (مرخصی ویژه نگهداری فرزند توسط پدر) را بگیری و از کودکان خود در خانه مواظبت کنی.

- مرد بودن برای تو به چه معناست؟
- آیا فکر میکنی که طرز نگاه تو در این مورد با والدینت متفاوت باشد؟
- فکر میکنی به چه دلیل مردان سوئدی گاهی از دید برخی از مهاجرین، مرد محسوب نمیشوند؟
- فکر میکنی که چرا برخلاف حالت بالا، برخی مردان مهاجر نیز از دید سوئدیها، (ماچو) محسوب میشوند؟

تاریخ خانواده در سوئد

در سوئد برای اولین بار در سال 1858 بود که يك زن غیرمتاهل در صورتی که خود درخواست میکرد، بالغ شمرده میشد. از سال 1863 زنان غیرمتاهل در سن 25 سالگی بطور خودکار، بالغ محسوب شدند. در سال 1884 این سطح سنی به 21 سال کاهش پیدا کرد.

از سال 1864 دیگر مردان حق نداشتند که زنانشان را کتک بزنند.

در سال 1874 زنان غیرمتاهل از حق تصمیم گیری در مورد درآمد و دارائیهای خود برخوردار شدند.

در سال 1915 زنان از حق مطالبه طلاق برخوردار شدند.

زنان متاهل برای اولین بار در سال 1920 در سن 21 سالگی بالغ شمرده شدند و همزمان از حقوق مساوی با مردان در زمینه اقتصادی و حقوقی برخوردار شدند.

در سال 1921 زنان نیز از حق رای در سوئد و انتخاب شدن در زمینه سیاسی برخوردار شدند.

برای اولین بار در سال 1965 تجاوز در روابط زناشویی نیز مشمول مجازات شناخته شد.

- آیا در مورد سالهای یاد شده در متن بالا نظر خاصی داری؟
- زنان در کشور شما از چه سالی از حق رای برخوردار شدند؟
- آیا موارد دیگری هست که مقایسه کردن آنها جالب توجه باشد؟

طرز نگاه به عشق و ازدواج

آیا ازدواج باید بر اساس عشق باشد یا اینکه عشق در دوران ازدواج شکوفا میشود؟ چه کسی در مورد ازدواج تصمیم میگیرد؟ در چه سنی باید ازدواج کرد؟ این ازدواج چگونه خواهد بود؟ این مسئله در طول زمان و در فرهنگهای مختلف، متفاوت بوده است. در سوئد نیز سنتهای ازدواج دچار تغییرات عمده ای شده اند. امروزه دیگر اینکه جوانان قبل از ازدواج با هم زندگی کرده باشند کاملاً عادی جلوه میکند. بسیاری بدون اینکه ازدواج کرده باشند با هم زندگی میکنند.

- در نوع نگرش به عشق و ازدواج در کشور شما چه تغییراتی صورت گرفته است؟
- آیا طرز تلقیهای مختلفی در بین اقوام و خویشاوندان شما در این مورد وجود دارد؟

طرز نگرش به جنسیت

نوع نگاه به جنسیت نیز در بین فرهنگهای مختلف و دوره های مختلف زمانی، متغیر بوده است. اغلب جوامع تلاش کرده اند فعالیتهای جنسی زنان را کنترل کنند برای اینکه بدانند پدر کودک چه کسی است. در سوئد پیشتر مجازاتهای سنگینی برای فعالیت جنسی قبل از ازدواج تعیین شده بود.

"در مورد زنان سالخورده نه تنها کمبود دانش و دسترسی به مواد پیشگیرنده از حاملگی، بلکه حتی طرز فکر خود آنها به فعالیتهای جنسیشان موجود بوده است. تمایل و کشش طبیعی به مرد، حق ابراز نداشته است چرا که چنین زنی نمیتوانست مردبارة خطاب شود. زنان نمیتوانستند خودشان برای زندگی مشترک پا پیش بگذارند یا عشق خود را ابراز کنند. تنها (زنان بد) بودند که اینگونه بودند."
يك پرستار ناحیه ای درباره زندگی جامعه کشاورزی گوتلند

در مورد جنسیت و ارتباطات جنسی، يك نگرش عمومی سوئدی وجود ندارد اما اغلب مردم سوئد امروز آن را در يك ارتباط عشقی برای ازدواج میبینند.

در سالهای آغازین قرن بیستم، سوئد يك کشور فقیر بود با خانواده هایی با فرزندان زیاد. از هر ده کودک یکیشان قبل از یکسالگی میمرد. زنان بسیاری بر اثر سقط جنینهای غیرقانونی جان خود را از دست دادند. امروزه علیرغم وجود مواد پیشگیرنده از حاملگی و قانونی بودن آزادی سقط جنین، از تولد کودکان استقبال میشود. آمار سقط جنین در سوئد پایین است و مرگ و میر نوزادان در نازلترین سطح خود در جهان قرار دارد.

آموزشهای جنسی و معاشرتی در مدارس، بر احترام، برابری و ارزش یکسان برای همگان تاکید دارد.

نوجوانان و جوانان می آموزند که به هنگام عشقبازی، بارداری و حاملگی، مواد پیشگیرنده از حاملگی و بیماریهای جنسی، بدن چگونه عمل میکند. آنها همچنین میتوانند در باره نحوه نگرش به جنسیت، ارتباطات جنسی، اخلاق و معاشرت، آزادانه به گفتگو بپردازند.

نوجوانان در بخشهای درمانی ویژه خود، میتوانند از مشاورت در همه زمینه های سنین جوانی، ورود به دنیای بزرگسالی و شکلگیری شخصیت برخوردار شوند. آنها همچنین میتوانند سوالات خود را در مورد جنسیت و ارتباطات جنسی مطرح کرده و پاسخ دریافت دارند و یا در باره مواد پیشگیرنده از حاملگی مشاورت بگیرند.

آموزشهای جنسی و معاشرتی و یا وجود بخشهای درمانی ویژه نوجوانان، آنها را به ارتباطگیری جنسی تشویق نمیکند. بلکه آنان را آماده میکند که به مثابه يك وزنه تعادل مهم، با طرز نگاه تحقیرآمیز به جنسیت و معاشرت جنسی که در رسانه ها میبینند به مخالفت برمیخیزند.

- در مورد اینکه کودک تو در مدرسه چه آموزشهای جنسی و معاشرتی میبیند چه اطلاعی داری؟
- تو خود، اطلاعات در مورد بدن، نحوه تولید مثل و مواد مشابه را چگونه دریافت کرده ای؟

ناموس و افتخار

ناموس در سوئد برای زنان همیشه به جنسیت و ارتباط جنسی با مردان مربوط بوده است. اما برای مردان، ناموس و افتخار ربطی به جنسیت و رفتار جنسی زنان نداشته بلکه بیشتر به برائت و توانایی دفاع از خود مربوط بوده است.

بسیاری از والدین با تبار خارجی، از اینکه دخترشان به يك زندگی سوئدی شامل تجربیات جنسی قبل از ازدواج روی بیاورد نگرانند. اغلب فکر میکنند که دختران سوئدی از آزادی بیشتری از آنچه واقعا دارند برخوردار هستند.

چنانچه دختران با محدودیت و سختگیرهای فراوان روبرو شوند این امر میتواند باعث شروع يك (زندگی دوگانه) برای آنان شود به این معنی که در خانه به نوعی و با دوستان خود به نوع دیگری رفتار کنند.

ناموس برای خانواده هایی که زندگی آنها به جمع خویشاوندان و اقوام نزدیکتر است اهمیت بیشتری پیدا میکند. در این حالت آوازه خوب یا بد مفهوم زیادی دارد. قدرت آوازه هنوز در بین جوامع کوچک در سوئد وجود دارد اما در شهرها غیرعادیست.

نگرانی والدین برای ناموس دختران و خانواده، میتواند در بدترین حالت به تعقیب، تهدید و خشونت منجر شود. اغلب افراد با تنبیه بدنی و گونه های دیگر تحقیر مخالف هستند. اما خشونت مردان علیه زنان در جامعه سوئد نیز وجود دارد. مبارزه با تهدید و خشونت از راه گفتگو در باره انگیزه ها و چگونگی پیشگیری از آن حائز اهمیت فراوانی است.

- ناموس برای تو به چه معنیست؟
- فرق اینکه کنترل در خانواده باشد یا در جامعه، چیست؟
- به نظر شما چه عواملی میتواند در منجر نشدن اختلاف و تضاد بین اعضای خانواده به خشونت، تاثیر داشته باشد؟

نه تنها دختران

وضعیت میتواند برای پسران و مردان جوان نیز دشوار باشد. آنها گاهی باید علیرغم خواستشان خواهران خود را بپایند. این انتظار در مورد مردان جوان نیز هست که باید تنها با دختری از گروه خود ازدواج کنند.

"پدر و مادر علی انتظار دارند که او با يك دختر کرد ازدواج کند اما او از چند سال پیش يك دوست دختر سوئدی دارد. او اکنون در زندگی خود بر سر يك دو راهیست: آیا سنت خانواده را ادامه دهد یا بیشتر همچون يك سوئدی زندگی کند. افکاری که مغزش را میجویند و فشارهایی که حس میکند باعث شدند که او يك روز تمام، درازکش در تختش بخوابد. او روزهای دیگر خیلی خوشحال است چرا که درس و مشق، رشته همه افکارش را پاره میکند. به باور علی، زندگی کردن در دو فرهنگ میتواند به یکسان برای دختران و پسران مشکل ایجاد کند. دنباله روی نکردن از سنت خانواده بهایی دارد که باید پرداخت شود هرچند که این بها میتواند برای دختران سنگینتر باشد."

- به نظر شما زنان جوان چه مشقت جانفرسایى باید بکشند وقتی با چند فرهنگ متفاوت، بزرگ میشوند؟
- به نظر شما مردان جوان چه مشقت جانفرسایى باید بکشند وقتی با چند فرهنگ متفاوت، بزرگ میشوند؟

آماده کردن راهی نو

- وقتی فرهنگها، سنن، قواعد و ارزشها تغییر مییابند چه اتفاقی میافتد؟ چه کسی مرز تعیین میکند و چه کسی تایید میکند که شخص در خانواده یا گروه قومی خود، راهی نو بیابد؟
- در طول دوران رشد تو ایجاد تغییر در خانواده چگونه امکان پذیر بود؟
 - امروزه چه کسی باید به برداشتهای نو از آنچه در گروه فرهنگی پذیرفته شده است (اجازه) بدهد؟